

## جمال و وقار

کسی منکر آراستگی نیست. آراستگی شرط زیبایی است و زیبایی از عالی ترین جلوه های حیات آدمی است. امر بهائی زیبایی را ستوده و در بزرگداشت آن کوشیده است. به شیواترین بیان در وصف جمال و مظاهر آن سخن رانده و قدر آن را به عرش اعلی رسانده است.

لوح رؤیا را بخوانید، لوح حوریّه را از نظر بگذرانید تا ببینید قلم اعلی در تمثیل به آیات چه ها فرموده است. [1] جمال را چه فخری برتر از این که مظهر کَلّی الهی را جمال قدم و جمال مبارک و جمال ابهی می خوانیم و از این راه قدر جمال را چندان فرا می بریم که آن را همچون تاجی بر تارک هستی می نشانیم. پس بجاست اگر اهل بهاء بگویند که باید خود را به مقام جمال نزدیک ساخت و از آنچه مناسب جمال نیست روی گردان بود. مگر نه این که جمال قدم به صریح بیان می گوید: « می خواهم که شما جلوه گاه بهشت برین در روی زمین باشید و عنصر لطافت در میان مردم به شمار آید.» [2]

اهل بهاء به حکم چنین اعتقادی نمی توانند از جوانان خود بخواهند که پشت پا به آراستگی زنند و از این راه در میان خود و زیبایی جدایی اندازند. پیروان اسم اعظم و دلدادگان جمال قدم هرگز نمی توانند آنچه را که منافای زیبایی است خواستار باشند. راهی را که به سوی زشتی می رود برگزینند و درس کژطبعی بیاموزند. پس اگر بخواهند که جوانان خود را در پوشش و آرایش محدود سازند نه از این رو است که آنان را از زیبایی و زیباتمایی دور سازند بلکه آنچه می خواهند و باید بخواهند این است که روی آوردن به سوی زیبایی را با ترک عفت و وقار و ادب به یک معنی نگیرند. ملاحظه فرمایید آنجا که قلم اعلی در وصف یکی از عالی ترین مظاهر جمال تغتی می کند و موسیقی را نردبان روح آدمی در عروج به عرش اعلی می شمارد چگونه ما را به لزوم مراعات ادب متذکر می سازد [3] و هر جای دیگر نیز که فرصتی دست می دهد ما را به ادب و صیّت می نماید و آن را سرور اخلاق می شمارد. [4] پس بزرگتران شما که خود را مکلف به اطاعت قلم اعلی می دانند بر خود واجب می گیرند که از یک سوی شما را به زیبایی بخوانند و از سوی دیگر به ادب محدود سازند، از یک سوی شما را در میان مردم عنصر لطافت جلوه دهند و از سوی دیگر مانع از این شوند که سبک سر و بی وقار باشید.

شما عزیزان مائید. مایه ی آرامش گلشن ابهائید. باید چنان باشید که هم به زیبایی شما ببالیم و هم از پاکی شما دم بزنیم. لطافت را با متانت الفت بخشید. آراستگی را با سنگینی بیامیزید. آنگاه به چشم خود ببینید که با چه شکوهی در انظار خاص و عام به جلوه درمی آید و چگونه جمال شما که با کمال اهل بهاء آمیخته شده چشم ها را خیره می سازد و زبان ها را در ستایشتان به نغمه سرایی و ترانه سازی وامی دارد. آیا شما جز این می خواهید؟

یادداشت ها:

[1]- لوح رؤیا در کتاب ایام تسعه (صفحات 16-20) و لوح حوریّه در کتاب آثار قلم اعلی (جلد 4، صفحات 342-350) به طبع رسیده است.

[2]- اشاره است به این آیه ی کتاب مستطاب اقدس: « انا اردنا ان نراکم مظاهر الفردوس فی الارض» و این

آیه: « کونو عنصر اللطافة بین البریة» (کتاب مستطاب اقدس، صفحات 109-110 و 79)

[3]- اشاره است به این آیه ی کتاب مستطاب اقدس: «اَنَا حَلَلْنَا لَكُمْ اصْغَاءَ الاصْوَاطِ وَ التَّغْمَاتِ اِيَّاكُمْ اِنْ

يُخْرِجُكُمْ الاصْغَاءُ عَنْ شَأْنِ الْاَدْبِ وَ الْوَقَارِ اَفْرَحُوا بِفَرْحِ اسْمِي الْاَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوْلَّيْتُمْ الْاَفْتِدَةَ وَ اِنْجَذِبْتُمْ عَقُولَ

الْمُقَرَّبِينَ اِنَّمَا جَعَلْنَاهُ مِرْقَاةً لِعُرُوجِ الْاَرْوَاحِ لَا تَجْعَلُوهُ جَنَاحَ النُّفُسِ وَ الْهَوَى اَتَى اِعْوَدَ اِنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ»

(کتاب مستطاب اقدس، صفحات 55-56)

[4]- اشاره است به این بیان جمال قدم: « یا حزب الله شما را به ادب وصیّت می نمایم و اوست در مقام اوّل

سید اخلاق. طوبی از برای نفسی که به نور ادب منور و به طراز راستی مزین گشت. دارای ادب در مقام

بزرگ است.» (امر و خلق، جلد 3، صفحه ی 53)

منبع: دکتر علی مراد داوودی، جلد سوم، صفحه 321، تهیه و تنظیم وحید رأفتی

[www.Vaselan.org]